

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۵۲۱۱۳



۱۳۸۱ / ۷ / ۳۰

دانشگاه الزهرا

دانشکده هنر

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته ارتباط تصویری (گرافیک)

عنوان:

جمع آوری و مطالعه جایگاه نقوش حیوانی در بافته‌های گلیمی عشایر و
بررسی امکان استفاده از آنها در ارائه پیام از طریق محمل‌های گرافیکی

استاد راهنمای بخش نظری:

جناب آقای دکتر ابوالقاسم دادور

استاد راهنمای بخش عملی و مشاور بخش نظری:

سرکار خانم فهیمه دانشگر

۴۲۲۲۶

گردآوری و نگارش:

درناز محمدزاده

مهرماه ۱۳۸۱

۴۲۲۲۶

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

دستان پر مهرگان را می بوسم.

تقدیم به پدر و مادر دلسوز و مهربانم.

که اشتیاق آموختن و اندیشیدن را در نهادم روشن نمودند.

لمظه های سیرافرازیم همیشه مدیون دستهای پر توان آنان است ...

و به خواهران خوبم ،

که گرمی وجودشان نیروبخش من در این ایام بود...

تقدیم به همسر عزیز و مهربانم دکتر امید شفیعی .

که با صبر و محبت بپذیریش موجب دلگرمی من در این راه بود...

و به پدر و مادر خوب و مهربانش .

که وجودشان روشنی بخش زندگی آینده ماست ...

نوشته ای که نمی توان از دل ستود، نگارنامه عشق است و مشق استاد...

با سپاس از جناب آقای دکتر دادور، که با دقت نظر
و دلگرمی فراوان، راهنما و مشوق من در انجام این رساله بودند.

و با تشکر فراوان از سرکار فائمه فهیمه دانشگر، که نه تنها
در نگارش این رساله، بلکه در انجام پروژه عملی نیز همواره
از راهنمایی‌های بیدریغشان برخوردار بودم.

و با تشکر از کلیه اساتید و مسئولین دانشکده هنر دانشگاه الزهرا

و همچنین با تشکر از مسئولین کتابخانه دانشکده هنر الزهرا، کتابخانه
مرکزی دانشگاه الزهرا، کتابخانه دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران،
کتابخانه دانشگاه هنر، کتابخانه موزه هنری و کتابخانه سازمان صنایع دستی،
که تهیه این تصاویر بدون کمک و همیاری آنان هرگز امکان پذیر نبود.

پکیده:

از آنجا که نقوش صنایع دستی هر ملتی - به عنوان کهن‌ترین و اصیل‌ترین نقوش - نشان دهنده اعتقادات، باورها و افکار آن قوم و ملت می‌باشد و از آنجا که گلیم در ایران به عنوان یکی از قدیمی‌ترین و کهن‌ترین دستبافته‌ها، قدمتی بس طولانی دارد، نقوش آن می‌توانند بازگو کننده و بیان کننده بسیاری از باورها و اعتقادات مردم روزگاران کهن باشند.

در میان نقوش انواع بافته‌های گلیمی، نقوش حیوانی از جایگاهی خاص برخوردارند که متأسفانه در چادرهای عشایر و در میان زیراندازها و سایر وسایل زندگی، تنها و مهجور مانده‌اند. هدف من از این رساله بیرون کشیدن این نقوش از زیر پا و استفاده از آنها در تبلیغات و گرافیک بود. این نقوش اصیل و گرانبایه، ضمن داشتن ماهیت اصلی خود، امروزه می‌توانند در طراحی پوستره‌های فرهنگی و توریستی، طراحی پارچه، رومبلی، پرده، انواع هدایای تبلیغاتی و حتی طراحی طلا و جواهر مورد استفاده قشر وسیعی از هنرمندان رشته‌های مختلف قرار بگیرند.

نحوه کار من در این رساله، ضمن معرفی اجمالی عشایر مناطق مختلف ایران و انواع بافته‌های گلیمی آنها (همچون انواع زیراندازها، خورجین، چننه، سفره، نمکدان، جل اسب و ...)، جمع‌آوری و استخراج این نقوش و اجرای دقیق و کامپیوتری آنها، جهت سهولت در استفاده کاربردی از آنها می‌باشد. ضمن آن که بخش‌هایی نیز شامل بررسی جایگاه نمادین آن حیوانات در اساطیر و باورهای گذشتگان و همچنین استفاده امروزی از آنها در گرافیک، تبلیغات، پیام‌رسانی و حتی جذب توریست می‌باشد. هدف اصلی و نهایی این رساله، زنده نگاه داشتن نقوش سنتی و اصیل ایرانی و جلوگیری از متروک و مهجور ماندن آنها و استفاده به روز از این نقوش در جنبه‌های مختلف هنر و زندگی مردم می‌باشد.

فهرست مطالب:

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
۴.....	فصل اول: تاریخچه مختصری از عشایر ایران و موقعیت جغرافیایی آن‌ها
۶.....	۱-۱- لر
۱۱.....	۱-۲- کرد
۱۵.....	۱-۳- بلوچ
۱۸.....	۱-۴- ترکمن
۲۲.....	۱-۵- افشار
۲۵.....	۱-۶- شاهسون
۲۸.....	۱-۷- قشقایی
۳۱.....	۱-۸- اتحادیهٔ خمسه
۳۴.....	۱-۹- عشایر ورامین
۳۶.....	فصل دوم: تاریخچهٔ گلیمبافی (بافت گلیم) و معرفی انواع بافته‌های گلیمی
۳۷.....	۲-۱- تاریخچه گلیمبافی
۳۹.....	۲-۲- انواع بافته‌های گلیمی
	(زیراندازها:)
۴۲.....	۲-۲-۱- گلیم
۴۳.....	۲-۲-۲- ورنی
۴۶.....	۲-۲-۳- شیریکی پیچ
۴۷.....	۲-۲-۴- گلیمچه
۴۸.....	۲-۲-۵- مسند
۴۹.....	۲-۲-۶- زیلو
۵۰.....	۲-۲-۷- پلاس
۵۱.....	۲-۲-۸- جاجیم
	(سایر وسایل:)
۵۴.....	۲-۲-۹- خورجین، جوال، خورجینک
۵۵.....	۲-۲-۱۰- چنته
۵۷.....	۲-۲-۱۱- سفره (سفرهٔ غذاخوری و سفرهٔ آردی)
۶۰.....	۲-۲-۱۲- نمکدان
۶۲.....	۲-۲-۱۳- مفرش
۶۴.....	۲-۲-۱۴- سجاده
۶۵.....	۲-۲-۱۵- روکرسی
۶۷.....	۲-۲-۱۶- جل:

۱-۱۶-۲-۲-جل اسب	۷۲
۲-۱۶-۲-۲-جل شتر	۷۲
۱۷-۲-۲-رواندازهای مرتبط با زین اسب: روزینی، زیرزینی (روکپلی)	۷۴
۱۸-۲-۲-تزئینات چهارپایان:	۷۷
۱-۱۸-۲-۲-پیش سینۀ مادیان	۷۷
۲-۱۸-۲-۲-گردن بند	۷۷
۳-۱۸-۲-۲-سریند	۷۸
۵-۱۸-۲-۲-روکپلی و رانکی	۷۸
۷-۱۸-۲-۲-تنگ و مالبند	۷۸
۸-۱۸-۲-۲-پهلوبند شتر	۸۱
۹-۱۸-۲-۲-زانوبند	۸۱
۱۰-۱۸-۲-۲-کلاه، سریند و پوزه بند شتر	۸۱
۱۹-۲-۲-تاچه‌های چهارمحال	۸۲
۲۰-۲-۲-سایر محفظه‌ها:	۸۵
۱-۲۰-۲-۲-قاشقدان	۸۵
۲-۲۰-۲-۲-قلیانندان	۸۵
۳-۲۰-۲-۲-تیردان	۸۵
۸۷- فصل سوم: اساطیر، کهن‌ترین خاستگاه نقوش	
۱-۳-۱-اساطیر، جایگاه نمادین نقوش	۸۸
۲-۳-۱-نگاره‌های رمزی:	۹۵
۱-۳-۲-۱-نگاره حیوان دو سر و مفهوم رمزی آن	۹۵
۲-۳-۲-۱-نگاره مرغی / قوچکی و مفهوم رمزی آن (طلسم با ران)	۱۰۰
۳-۳-۲-۱-نگاره (S) مانند و مفهوم رمزی آن	۱۰۹
۱-۳-۲-۳-۱-صورت ساده شده بز	۱۱۱
۲-۳-۲-۳-۲-صورت ساده شده اژدها	۱۱۳
۴-۳-۲-۳-۱-نگاره مرغان سه پای شاخدار و مفهوم رمزی آن	۱۱۵
۳-۳-۳-۱-جایگاه نمادین حیوانات:	۱۱۷
۱-۳-۳-۱-بز، بز کوهی (پازن)	۱۱۸
۲-۳-۳-۲-گوزن	۱۲۰
۳-۳-۳-۳-اسب	۱۲۳
۴-۳-۳-۴-شتر	۱۲۵
۵-۳-۳-۵-شیر	۱۲۷
۶-۳-۳-۶-پرنندگان (بومی)	۱۳۰

صفحه	عنوان
۱۳۲	۳-۳-۷- طلاووس
۱۳۵	۳-۳-۸- خروس
۱۳۷	۳-۳-۹- عقاب
۱۳۹	۳-۳-۱۰- مار
۱۴۲	۳-۳-۱۱- ازدها
۱۴۵	۳-۳-۱۲- سگ
۱۴۷	۳-۳-۱۳- روباه
۱۴۸	فصل چهارم: نقوش حیوانی در بافته‌های گلیمی عشایر ایران
۱۴۹	۴-۱- نقوش حیوانی در بافته‌های گلیمی لرها
۱۷۳	۴-۲- نقوش حیوانی در بافته‌های گلیمی کردها
۱۸۲	۴-۳- نقوش حیوانی در بافته‌های گلیمی بلوچ‌ها
۱۸۹	۴-۴- نقوش حیوانی در بافته‌های گلیمی ترکمن‌ها
۱۹۴	۴-۵- نقوش حیوانی در بافته‌های گلیمی افشارها
۲۰۱	۴-۶- نقوش حیوانی در بافته‌های گلیمی شاهسون‌ها
۲۱۹	۴-۷- نقوش حیوانی در بافته‌های گلیمی قشقایی‌ها
۲۳۶	۴-۸- نقوش حیوانی در بافته‌های گلیمی اتحادیه خمسه
۲۴۲	فصل پنجم: استفاده از نقوش حیوانی گلیم بافت‌های عشایری در پیام رسانی، همراه با گزارش کار عملی
۲۴۴	۵-۱- طراحی پوستر
۲۴۶	۵-۱-۱- پوسترهای توریستی، با استفاده از جاذبه‌های طبیعی و صنایع دستی ایران (پوسترهای ۱ الی ۶)
۲۴۹	۵-۱-۲- پوسترهای فرهنگی، به مناسبت برگزاری سمینارهای فرهنگی در رابطه با گلیم (پوسترهای ۷ الی ۱۱)
۲۵۱	۵-۱-۳- پوسترهای تبلیغاتی، به منظور فروش سالانه گلیم و بافته‌های گلیمی (پوسترهای ۱۲ الی ۱۴)
۲۵۴	خلاصه و نتیجه‌گیری
۲۵۸	فهرست منابع متن
۲۶۰	فهرست منابع تصاویر
۲۷۴	نمونه کارهای عملی

مقدمه:

باورها، اعتقادات و آداب و رسوم هر قوم و ملتی را می‌توان از درون آثار به جای مانده از تمدن‌های پیشین آن قوم بیرون کشید؛ از میان قصه‌ها، اسطوره‌ها، بناهای تاریخی، آثار باستانی و بالاخره صنایع دستی مردم آن دیار. تمام این‌ها یادگاری است از پیشینه فرهنگی، اعتقادات مذهبی و باورهای انسان نخستین. به عبارت دیگر، باورهای دینی انسان نخستین از اسطوره‌ها آغاز و بعدها، در زمان‌های متأخرتر به گونه ادیان شکل گرفت و سپس به اشکال گوناگون از جمله اجرای آیین‌ها، مراسم مذهبی، ایجاد پرستشگاه‌ها و معابد، ساختن اشیاء نمادین، سفالینه‌ها و دستبافت‌ها متبلور شد. در این میان، آن چه که قابلیت دوام چندین هزار ساله داشت، همچون بناها، اشیاء مفرغی و سفالینه‌ها، به دست ما رسید و آن چه که در اثر عوامل جوی همچون رطوبت و خاک آسیب‌پذیرتر بود، دیری نپایید که در میان تلی از خاک مدفون شد. اما به هر حال با توجه به مدارک و شواهدی که از قدمت چندین هزار ساله بافندگی در ایران حکایت می‌کنند و با توجه به این که این بافته‌ها و نقوش آنها سالیان سال است که در یک مسیر مشخص و معین و فناپذیر، از نسلی به نسل دیگر و سینه به سینه منتقل شده‌اند، آن چه امروز از عشایر این مرز و بوم به دست ما رسیده، چیزی نیست جز یادگاری از اصالت گذشتگان ما. در واقع صنایع دستی هر ملتی تبلور اعتقادات مردم آن سرزمین می‌باشد؛ آثاری که هر طرح و نقش آن با فکر و اندیشه‌ای پایدار و اصیل گره خورده است.

متأسفانه امروزه معانی بسیاری از این نقوش بر ما آشکار نیست، اما زیبایی و اصالت آنها از دیدگان هیچ چشمی پنهان نمانده است. از آنجا که بافتن گلیم مهارتی کمتر از بافتن فرش می‌طلبد و بسیار کهن‌تر از آن است، پس می‌توان گفت که نقوش گلیم بسیار اصیل‌تر و قدیمی‌تر می‌باشند؛ به خصوص که گلیم تا چند دهه قبل در بازارهای تجاری و توریستی جایی نداشته و بنابراین بافندگان عشایری سعی در تغییر این بافته‌ها بر مبنای ذوق و سلیقه خریداران نداشتند و آن چه که از گذشتگان‌شان به آنها رسیده بود، برای استفاده شخصی خودشان، عیناً بر روی بافته‌ها منتقل می‌کردند.

در این میان آنچه که از بین نقوش بافته‌های گلیمی توجه مرا به خود جلب کرد، نقوش حیوانی گلیم‌ها بودند که به بهترین وجهی استیلزه و ساده شده، اما در عین حال ماهیت خود را همچنان حفظ کرده‌اند. شاید برای کسی مثل من که چندین سال است قدم در رشته گرافیک گذاشته‌ام، هنر این عشایر بسیار بیشتر آشکار است تا یک دانشجوی رشته صنایع دستی؛ چرا

که می‌دانم از موجودی پیچیده در طبیعت الهام گرفتن و آن را همچون یک آرم یا نشانه، به ساده‌ترین وجهی استیلایزه کردن، آن هم فقط با خطوط شکسته هندسی و به دور از هرگونه انحنا (که از محدودیت‌های تکنیک بافت گلیم نشأت می‌گیرد)، کاری است بس دشوار و نیازمند تمرین و ممارست طولانی در این امر؛ اما جای بسی شگفتی است که این زنان عشایری که حتی از سواد خواندن و نوشتن محرومند و هیچ‌گاه آموزگار یا معلم دهنده‌ای در این زمینه نداشته‌اند، این چنین هنرآفرینی می‌کنند.

.... و در این میان من هر چه بیشتر به مطالعه نمونه‌های مختلف بافته‌های گلیمی (از گلیم و خورجین گرفته تا نمکدان و جل اسب و ...) پرداختم، خود را در برابر دریایی وسیع از نقوش اصیل و زیبای ایرانی یافتیم که هیچ لغتی جز اصالت نمی‌توانستیم برای آنها بیابیم. اما دریغ و افسوس من پس از آشنایی با این نقوش از آن جا شروع شد که به عنوان یک طراح گرافیک از خود بارها سؤال می‌کردم که چرا این نقوش باید این گونه در سیاه چادرهای عشایر ما محدود و مهجور بمانند؟ چرا ما مردم شهرنشین باید از دیدن این همه زیبایی و آن هم زیبایی‌های اصیل میهنمان محروم بمانیم؟ چرا ما نباید در خانه‌هایمان شاهد این طراوت باشیم؟ چرا نباید رو مبلی یا پرده‌هایی داشته باشیم با حاشیه‌ای زیبا از این نقوش؟ چرا جعبه دستمال کاغذی ما باید مملو از نقوش آبستره یا تصاویر تکراری گل‌های آبرنگی باشد، در حالی که خودمان در دنیایی از نقوش اصیل به سر می‌بریم؟ چرا تقویم‌های دیواری و پوستره‌های توریستی ما باید همواره از عکس‌های تکراری مناظر ایران پوشیده باشند؟ چرا پوستره‌های فرهنگی ما نباید معرف و گویای این نقوش باشند؟ و صدها چرا و چراهای دیگر ...

و این چنین بود که من به عنوان یک طراح گرافیک، این وظیفه را بر دوش خود احساس کردم که باید این نقوش را از درون زیراندازها و زیرپای عشایر بیرون کشید و در جاهایی بهتر و مناسب‌تر از آن‌ها استفاده کرد. البته مسلم است که امروز با وجود این که صنایع دستی ما، هم در ایران و هم در میان توریست‌ها و کلکسیونرها از جایگاه ویژه خود برخوردار است، اما مدرنیسم و دیگر افکار و سلیقه‌های قرن ۲۱، چیزی فراتر از ترکیب بندی‌های کهن می‌طلبد و این جاست که شاید مبحث سنت و مدرنیسم را باید این طور تعبیر کرد که: ما می‌توانیم در عین استفاده از نقوش اصیل، کهن و سنتی‌مان، ترکیب‌بندی‌هایی بسیار نو و مدرن در کارهایمان داشته باشیم، که نه تنها یادآور اصالت نقوشمان باشد، بلکه نظر و سلیقه مردم این قرن را نیز تأمین نماید.

پس قدم اول من در این راه، پس از مطالعه سوابق تاریخی و موقعیت جغرافیایی عشایر مناطق مختلف ایران و انواع گلیم بافته‌های آنان، جمع‌آوری نقوش حیوانی این بافته‌ها بود؛ کاری بس دشوار که از میان کتب مختلف و تصاویر گوناگون صورت گرفت. دلیل انتخاب تمام بافته‌های گلیمی و نه تنها گلیم، این بود که، اکثر نقوش حیوانی بر روی سایر بافته‌های گلیمی از جمله جل اسب و خورجین و نمکدان و ... نقش بسته بودند و صرف نظر از این همه نقش و نگار زیبا برای من آسان نبود.

... پس از جمع‌آوری این نقوش و مطالعه بر روی خاستگاه و نقش نمادین این حیوانات در فرهنگ و اساطیر ایران، برای نمود بهتر این نقوش، تصمیم گرفتم که تمامی این نقوش را در کامپیوتر اجرا کنم تا نه تنها جلوه و خلوص اولیه خود را همچون یک آرم یا نشانه حفظ کنند، بلکه بعداً نیز به سهولت، در اجرای کارهای گرافیکی و ... از آنها استفاده نمایم. (کاری بس دشوار که چندین ماه وقت صرف کرد).

این رساله برای من تنها گامی کوچک بود برای اجرای اهداف و آرزوهایی بزرگتر و اگر این بار از آنها در طراحی پوستره‌های فرهنگی و توریستی و با هدف پیام‌رسانی استفاده کردم، مطمئناً در آینده‌ای نزدیک، در زمینه‌هایی گسترده‌تر همچون طراحی پارچه، پرده، رومبلی، آباژور، تقویم، کارت پستال، کاغذ کادو، هدایای تبلیغاتی و طراحی طلا و جواهر و ... نیز از آنها استفاده خواهم کرد و این چنین است که اگر خداوند اراده و یاری نماید، می‌توان نقوش سنتی و اصیل ایران زمین را سالیان سال زنده و پویا نگاه داشت.

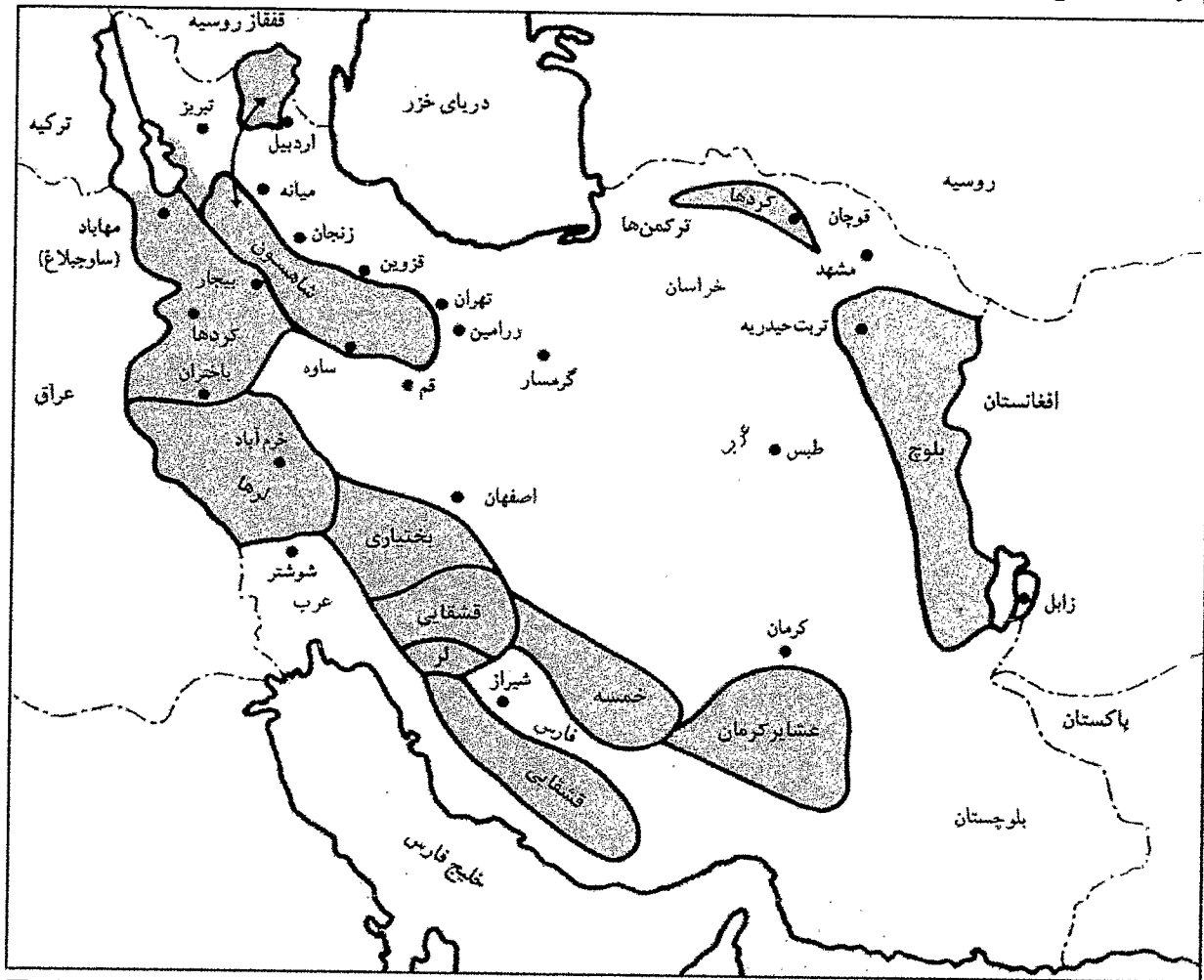
فصل اول:

تاریخچه مختصری از عشایر ایران و موقعیت جغرافیایی آنها

اکثر گلیم بافت‌ها مانند گلیم، جاجیم، جل اسب، چنته، خورجین، جوال، نمکدان، سفره و ... به دست زنان عشایری بافته می‌شود. این عشایر در نقاط مختلف ایران زندگی می‌کنند و هر کدام دارای سوابق تاریخی و موقعیت جغرافیایی خاصی هستند. برخی از آنها در یکی دو قرن اخیر یکجا نشین شده، دامداری و کشاورزی را توأمأ انجام می‌دهند، اما همچنان به کار بافندگی ادامه داده و بافته‌های آنها ویژگی‌های عشایری خود را حفظ کرده است و برخی همچنان کوچنده هستند.

به منظور بهتر شناختن بافته‌های عشایری و روستایی و آشنایی با نقوش حیوانی بافته‌ها، ابتدا شرح مختصری در خصوص موقعیت جغرافیایی و سوابق تاریخی آنها داده خواهد شد. مطالب این فصل با حفظ رعایت تقدم و تأخر ورود و سکونت عشایر در ایران می‌باشد. این عشایر عبارتند از: لرها، کردها، بلوچها، ترکمنها، افشارها، شاهسونها، قشقاییها، اتحادیه خمسه و عشایر مستقر در ورامین.

پراکندگی عشایر مناطق مختلف در ایران



Tribes of Iran

تصویر (۱): نقشه پراکندگی عشایر مناطق مختلف در ایران